

خاطرات ما و لطیفه های دیگران

نمایش "زمستان ۶۶" و همه این زمستان ها

چاپ شده در : روزنامه اعتماد

زمان انتشار : مهر ماه ۱۳۹۰

جایی از داستان مشهور «داش آکل»، بعد از ازدواج مرجان، هدایت در یک پاراگراف یک جمله ای چند سال از زندگی آکل را یک جا می فشرد: «... به همین منوال گذشت». از سال ها پیش و از زمان نخستین نوبت خواندن این داستان، به خودم گفته ام چه بیرحمی خالقانه و خلاقانه ای می خواهد این که چند سال رنج درونی و شکنندگی عواطف مردی به سرسختی آکل را در جمله ای چنین قاطع و بی توصیف خلاصه کنی. دوران رنج و محنت را هرگز نمی توان روز به روز به وصف و ترسیم درآورد؛ این، از جمله، جلوه خود را در همین «جهش» زمانی هدایت از آن دوره زندگی آکل نشان می دهد.

این جهش را البته به دلایلی منهای دشورای های «توصیف دوران سخت» هم ممکن است شاهد باشیم. مثلاً نگرش رسمی ما سال هاست ترجیح می دهد از برش های تاریخی خاصی که خاطره مشترک همگان، سختی های توانفرساست، هیچ تصویری ثبت نکند. مرحوم رسول ملاقلی پور بارها می گفت دوست دارد تصویر شعارزده ای را که در فیلم «پرواز در شب» خود در سال ۱۳۶۵ و در بحبوحه جنگ ایران و عراق از جبهه ارائه داده بود، با فیلم های بعدی اش و با واقع بینی های تلخ و انسانی، به دست فراموشی بسپارد (و از جمله در «سفر به چزابه» با نمایش اندوه و رنج فقدان ها در دل جبهه، موفق به اعاده حیثیت از خود و خاطرات جنگی اش شد) ولی تفکری که همچنان حاکم و جاری است و نمونه نحیف آن را در آخرین ساعات هفته پیش، از زبان نمایندگان شعاردوست این تفکر در برنامه ضدسینمایی «هفت» باز شنیدیم، همچنان می پندارد شعار «جنگ جنگ تا پیروزی» نه فقط مختص آن سال ها و به هدف ایجاد روحیه مقاومت در مردم و نظامیان، بلکه سرمشقی همیشگی است و همین امروز هم باید با همان نگاه، از آن دوران فیلم ساخت و نمایش اجرا کرد و حرف زد.

میان این همه، یک نفر هست که یادمان می اندازد آن چه هنوز شروعش را در روز آخر تابستان به ما «تبریک» می گویند، رنج جانکاه مردمان عادی، غیرسیاسی و بی مداخله در امور کلان این دیار بود.

محمد یعقوبی با تأکید و تکیه بر وجه «ثبت» دوران که از خصلت های اغلب فراموش شده درام در تئاتر، سینما و تلویزیون ماست، با اجرایی از متن مشهور خود «زمستان ۶۶» که این بار حتی پخته تر و اثرگذارتر از اجرای چهارده سال پیش به چشم می آید و به ویژه تک گویی جولی کریستی در فیلم «زندگی نهان واژه ها» در آغازش رد تکان دهنده ای به جا می گذارد، باز می کوشد تجربه زیستی مشترک یک دوران را با اشاره هایی به دغدغه های خالق/نویسنده آن، انتقال دهد. دغدغه هایی که برای خود آن مردم به منزله تورق اوراق خاک گرفته ناخوشایندی از آلبوم خاطرات است و برای نگرش رسمی، همچنان به جای اندوه و اسف، انگار فقط افتخار و ادعا به دنبال دارد. چه کسی بود که می گفت همان که برای شما لطیفه است، برای ما خاطره بوده و -متأسفانه- خواهد بود.